توسعه ایرانی
روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

اتفاق روز

رضاییان در یک قدمی بازگشت به خانه
معمای رامین

داستان رامین رضاییان و استقلال، این روزها شبیه به یک تریلر معمایی پر از تعلیق و هیجان شده است! مردی که پس از درخشش خیره‌کننده در جام‌جهانی، حالا در کانون یک سکوت خبری سنگین و پر رمز و راز قرار دارد. برخلاف گمانه‌زنی‌های روزهای گذشته که بوی تند جدایی می‌دادند، انگار قرار است ستاره محبوب سمت راست زمین، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد، دوباره در تمرینات تیم سهراب بختیاری‌زاده آفتابی شود. ماجرا از جایی به اوج حساسیت رسید که رامین با انتشار یک استوری جنجالی، مدعی شد که هیچ تعهدی به آبی‌ها ندارد. اما در طبقات ساختمان باشگاه استقلال، مدیران با اطمینان به برگه‌های قرارداد پیش از انتقال قرضی‌اش اشاره می‌کنند و معتقدند رامین قانونا هنوز سرباز اردوگاه آبی است. در میان این پارادوکس رسانه‌ای، واقعیت اما در اتاق‌های دربسته و به دور از فلش دوربین‌ها در حال رقم خوردن است؛ مذاکراتی کاملا مخفیانه، چراغ خاموش و فشرده که شواهد نشان می‌دهد هر لحظه به یک توافق شیرین نزدیک‌تر می‌شود.

رامین پس از یک جدایی تلخ و انتقال قرضی به فولاد (که بیشتر نتیجه سلیقه فنی ریکاردو ساپینتو بود)، ققنوس‌وار در خوزستان از خاکستر برخاست. او دوباره به همان فرم ویرانگر سابق برگشت و بلیت تیم ملی را رزرو کرد. نقطه عطف داستان او در جام‌جهانی رقم خورد؛ جایی که با گلزنی‌های تماشایی مقابل نیوزیلند و مصر، چشم‌ها را خیره کرد و جایزه بهترین بازیکن سال ایران را با رأی قاطع بیش از ۲۵۰ کارشناس از آن خود کرد. پس از جام‌جهانی، رویای پرواز به اروپا و بازی در قاره سبز بر سر زبان‌ها افتاد، اما با گذشت چند هفته و عدم انتشار خبری از یک توافق رسمی، حالا منطقی‌ترین و البته عاشقانه‌ترین گزینه، پوشیدن دوباره پیراهن استقلال است. هواداران بی‌صبرانه منتظر بازگشت بازیکنی هستند که با ضربات ایستگاهی مرگبار، پاس گل‌های طلایی و استارت‌های انفجاری‌اش، سکوها را به تسخیر خود درمی‌آورد. اگر آخرین گره‌های مالی و بندهای اختلافی در این مذاکرات پنهانی باز شود، رقابت جذاب رامین رضاییان و صالح حردانی در سمت راست، یک ماشین جنگی تمام‌عیار در اختیار کادر فنی قرار می‌دهد. آیا مرد سال فوتبال ایران دوباره به آغوش آبی‌ها باز خواهد گشت؟ تیک‌تاک ساعت و لبخندهای پنهان در باشگاه می‌گویند این بازگشت، نزدیک‌تر از همیشه است!

نیلوفر اردلان، مریم ایراندوست و طلوع حماسی دربی زنان ایران
رویای سرخابی

نگار رشیدی

تابستان آرام‌آرام بارهای خود را می‌بندد و جای خود را به پاییزی می‌دهد که امسال، بیش از هر زمان دیگری، بوی بهار و طراوت می‌دهد. در تقویم ورزش ایران، روزهایی در حال ثبت شدن است که سال‌ها، دهه‌ها و شاید نسل‌ها منتظر فرا رسیدن آن بودیم. روزهایی که صدای سوت داور در مستطیل سبز، تنها نوید بخش یک رقابت ورزشی نیست، بلکه پژواک بغض‌های شکسته، رویاهای به ثمر نشسته و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر زنانی است که برای اثبات شایستگی‌های‌شان از هیچ مانعی نهراسیدند. فوتبال زنان ایران در آستانه فصلی تاریخی قرار دارد؛ فصلی که با ورود تمام‌عیار و قدرتمند دو قطب سنتی و پرطرفدار پایتخت، یعنی پرسپولیس و استقلال، قرار است تمام معادلات، توجهات و هیجانات را دگرگون کند. اگر تا چند روز پیش، تمام نگاه‌ها به اردوگاه آبی‌پوشان پایتخت و معارفه باشکوه مریم ایراندوست، اسطوره بی‌بدیل فوتبال زنان دوخته شده بود، حالا زلزله‌ای سرخ، اتمسفر ورزش کشور را به لرزه درآورده است. نیلوفر اردلان، نامی که با تاریخ، افتخار و تعصب در ورزش زنان ایران گره خورده، رسما سکان هدایت ارتش سرخ زنان پرسپولیس را در دست گرفت. این اتفاق، تنها یک جابه‌جایی روی نیمکت مربیگری نیست؛ این تکمیل شدن دراماتیک‌ترین، جذاب‌ترین و حساس‌ترین سناریوی ممکن برای آغاز یک دوران جدید در لیگ برتر فوتبال زنان است.

داستان نیلوفر اردلان و پرسپولیس، یک قصه معمولی از قراردادهای حرفه‌ای و انتقال‌های ورزشی نیست. این داستان، روایت دختری است که قلبش از همان سال‌های کودکی، با ضربان هنگ نام پرسپولیس می‌تپید. دختری که با چشمانی پر از شوق و آرزو، بازی‌های تیم محبوبش را دنبال می‌کرد و در خلوت خود، رویای پوشیدن این پیراهن و هدایت این تیم را می‌پروراند. اردلان در گفت‌وگویی دلی، پرحرارت و احساسی با ورزش سه، پرده از این عشق دیرینه برداشت و کلماتی را بر زبان آورد که ترجمان احساسات میلیون‌ها هوادار پرسپولیس بود: «باشگاه پرسپولیس جزو آرزوهای بچگی من بود. خیلی دوست داشتم این اتفاق برایم بیفتد. من از بچگی عاشق پرسپولیس بودم و قلبم کاملا قرمز بود. بارها و بارها به ورزشگاه رفتم و همیشه این حس عاشقانه و این علاقه را با خودم حمل کردم. در دوران فوتسال این افتخار بزرگ نصیبم شد که پیراهن پرسپولیس را به عنوان بازیکن بپوشم و برای این نام بجنگم، اما همیشه گوشه ذهنم این آرزو را داشتم که روزی به عنوان سرمربی به این خانه بزرگ برگردم.»

سال گذشته نیز زمزمه‌هایی از این پیوند عاشقانه و ورزشی به گوش می‌رسید، اما تعهدات اخلاقی و حرفه‌ای اردلان به تیم‌های دیگر، مانع از شکل‌گیری این همکاری شد. با این حال، سرنوشت برای او و پرسپولیس خواب دیگری دیده بود. امسال، در جریان جلساتی فشرده، تخصصی و سرنوشت‌ساز با پیمان حدادی، محسن خلیلی و دیگر مدیران ارشد باشگاه، خرد جمعی پرسپولیس به یک نتیجه قاطع رسید؛ هیچ کس جز نیلوفر اردلان نمی‌تواند روحیه جنگندگی، تعصب و دانش تاکتیکی را به شکلی توامان به تیم زنان پرسپولیس تزریق کند.

برای درک بزرگی تصمیمی که نیلوفر اردلان گرفته است، باید به گزینه‌های روی میز او نگاهی بیندازیم. او پیش از آنکه قلم را روی کاغذ بیاورد و قراردادش را با پرسپولیس امضا کند، با یک پیشنهاد رسمی، جذاب و بین‌المللی از سوی یکی از تیم‌های مطرح تاجیکستان برای هدایت در مسابقات مقدماتی جام باشگاه‌های آسیا روبه‌رو بود. پیشنهادی که می‌توانست مسیری امن، پر از امکانات و بدون فشارهای رسانه‌ای داخلی را برای او فراهم کند و رزومه بین‌المللی‌اش را پربارتر سازد. اما برای دختری که با رویای پرسپولیس بزرگ شده، صدای قلب همیشه بلندتر از منطق اعداد و ارقام است. او ترجیح داد در وطن بماند، چالش سخت و پرفشار نیمکت پرسپولیس را بپذیرد و آرمان‌های بلند این باشگاه را در بخش زنان محقق سازد. اردلان تنها یک نام محبوب نیست؛ او یکی از معدود زنان مربی در قاره کهن است که موفق به اخذ مدرک معتبر و سطح بالای پرو لایسنس از کنفدراسیون فوتبال آسیا شده است. او دانش روز دنیا را با تجربه سال‌ها کاپیتانی در تیم ملی در هم آمیخته است. فصل گذشته، او با هدایت تیم ایستاالبرز شایستگی‌های فنی خود را به رخ همگان کشید؛ جایی که در ۱۸ نبرد سخت و نفس‌گیر، توانست ۳۴ امتیاز ارزشمند کسب کند و تیمش را پس از غول‌های سنتی و متمول لیگ، یعنی خاتون بم و گل گهر سیرجان، در رده سوم جدول رده‌بندی قرار دهد. حالا او تیمی را تحویل می‌گیرد که پیش از او با زحمات شادی رضایی به لیگ برتر صعود کرده بود و فصل گذشته را با هدایت مریم آزمون در رتبه هفتم به پایان رسانده بود.

با وجود تمام شور و اشتیاق و فضای احساسی که پیرامون حضور اردلان در پرسپولیس شکل گرفته، او در قاموس یک مربی حرفه‌ای، به شدت واقع‌بین، منطقی و صاحب‌سبک است. او به خوبی می‌داند که لیگ برتر فوتبال زنان ایران، میدان جنگی نیست که بتوان با شعارهای عوام‌پسندانه و وعده‌های توخالی در آن پیروز شد. حضور تیم‌های ریشه‌دار، ساختاریافته و قدرتمندی چون خاتون بم، گل گهر سیرجان و سپاهان اصفهان که سال‌هاست شاکله اصلی تیم ملی را در اختیار دارند، کار را برای هر تیم تازه‌واردی سخت می‌کند. اردلان با نگاهی دقیق به این واقعیت‌ها می‌گوید: «من از آن دست مربیانی نیستم که در همان ابتدای کار قول قهرمانی بدهم، چرا که در فوتبال بانوان، قهرمان شدن پروسه و شرایط خاص خودش را می‌طلبد. اما برنامه‌ای که ما برای باشگاه پرسپولیس طراحی کرده‌ایم، این است که با یک استراتژی درست و گام‌به‌گام، تیم را به سمت قهرمانی سوق دهیم. ما به دنبال یک جرقه نیستیم؛ ما قهرمانی‌ای می‌خواهیم که با ثبات همراه باشد و سال‌های سال تداوم یابد. ما اینجا جمع شده‌ایم تا از حق نام بزرگ پرسپولیس دفاع کنیم و این تیم را به جایگاه واقعی‌اش در بام فوتبال ایران برسانیم.»

اردلان به خوبی می‌داند که لیگ برتر فوتبال زنان ایران، میدان جنگی نیست که بتوان با شعارهای عوام‌پسندانه و وعده‌های توخالی در آن پیروز شد. حضور تیم‌های ریشه‌دار، ساختاریافته و قدرتمندی چون خاتون بم، گل گهر سیرجان و سپاهان اصفهان که سال‌هاست شاکله اصلی تیم ملی را در اختیار دارند، کار را برای هر تیم تازه‌واردی سخت می‌کند

در لابه‌لای صحبت‌های سرمربی جدید سرخ‌پوشان، اشاره‌ای کلیدی به حلقه گمشده فوتبال زنان ایران وجود دارد؛ امکانات سخت‌افزاری و ساختار. اردلان معتقد است دختران ایرانی سرشار از استعداد، تکنیک و انگیزه هستند، اما سال‌هاست که از نداشتن زمین تمرین مناسب، زیرساخت‌های حرفه‌ای و حمایت‌های پایدار رنج می‌برند. او نگاه ویژه باشگاه پرسپولیس به تخصیص امکانات را یک نقطه عطف می‌داند. حتی در بحث مالی نیز، با وجود فاصله نجومی قراردادهای زنان و مردان، اردلان با صداقت بیان می‌کند که ورود اسپانسرها و شنیده شدن ارقامی نظیر قراردادهای ۱۰ میلیارد تومانی برای برخی ستاره‌ها، نشان از یک بیداری اقتصادی در فوتبال زنان دارد که باید با مدیریت صحیح به رشد کل این رشته کمک کند.

اما بگذارید به جذاب‌ترین، دراماتیک‌ترین و نفس‌گیرترین بخش این داستان بپردازیم؛ اتفاقی که امسال لیگ برتر فوتبال زنان را به پربیننده‌ترین لیگ تاریخ این مسابقات تبدیل خواهد کرد؛ دربی زنان پایتخت. تصور کنید روزی را که برای نخستین بار در تاریخ لیگ برتر، دختران سرخ و آبی‌پوش در میانه میدان صف‌آرایی کنند. این بازی، فراتر از جنگ رنگ‌ها و کل کل‌های مرسوم هواداری است. این یک دوئل تمام‌عیار، تاکتیکی و شخصیتی بین دو تن از بزرگ‌ترین و کاریزماتیک‌ترین زنان تاریخ ورزش ایران است. در یک سو، روی نیمکت آبی‌پوشان، مریم ایراندوست ایستاده است. زنی از تبار انزلی که بوی باران و دریا می‌دهد. اسطوره‌ای که با پیراهن ملوان بیش از ۹۰ بازی رسمی انجام داد، ۴۱ بار دروازه‌ها را گشود و سال‌ها بعد، در قامت سرمربی، با یک هدایت حماسی، تیم ملی فوتبال زنان ایران را پس از سال‌ها حسرت و انتظار، به مرحله نهایی جام ملت‌های آسیا رساند. ایراندوست نماد تعصب، جنگندگی و خلق شگفتی است و آمده تا استقلال را به تیمی مخوف تبدیل کند. در سوی دیگر میدان، روی نیمکت سرخ‌پوشان، نیلوفر اردلان قرار دارد. دختری با هوش سرشار تاکتیکی، مدرک پرو لایسنس آسیا و ذهنی که بازی‌خوانی را در بالاترین سطح ممکن انجام می‌دهد. او نماد علم، تکنیک و رهبری در فوتسال و فوتبال ایران است. تقابل تفکرات ایراندوست و اردلان از کنار خط طولی زمین، شطرنجی است که هر حرکت در آن می‌تواند تاریخ‌ساز شود. این نبرد، تنها یک مسابقه ۹۰ دقیقه‌ای نیست؛ نمایشی است از شکوه زنانی که سال‌ها در زمین‌های خاکی، سالن‌های تاریک و بدون حضور تماشاگران و دوربین‌ها جنگیدند و عرق ریختند. حالا، نورافکن‌های اصلی ورزشگاه‌ها، لنز دوربین‌ها و نگاه میلیون‌ها بیننده، روی شانه آنها و شاگردان‌شان زوم خواهد شد. دربی بانوان امسال، نمایشی از استقامت، زیبایی، تاکتیک و عشق خالص به فوتبال است.

امسال، لیگ برتر فوتبال زنان با تمام سال‌های گذشته تفاوت دارد. ورود پرسپولیس و استقلال با تمام قوا و با استفاده از بهترین سرمایه‌های انسانی خود، یعنی نیلوفر اردلان و مریم ایراندوست، خونی تازه در رگ‌های این مسابقات دمیده است. صدای گام‌های استوار دخترانی که روی چمن سبز می‌دوند، حالا از همیشه رساتر است. این اتفاقات، تنها برای هواداران فوتبال جذاب نیست؛ بلکه پیام‌آور امیدی بزرگ برای هزاران دختربچه‌ای است که در کوچه‌پس‌کوچه‌های این سرزمین، توپ پلاستیکی را به دیوار می‌کوبند و رویای ستاره شدن در سر می‌پرورانند. آنها حالا قهرمانانی دارند که می‌توانند تصاویرشان را روی دیوار اتاق‌شان بچسبانند؛ قهرمانانی که با پیراهن‌های سرخ و آبی، نشان می‌دهند هیچ رویایی برای زنان ایرانی دور از دسترس نیست. نیلوفر اردلان آمده است تا به آرزوی کودکی‌اش رنگ واقعیت ببخشد، اما در حقیقت، او و همتایانش در حال ساختن آرزوهای نسل آینده هستند. سوت آغاز فصل جدید که به صدا درآید، تاریخ جدیدی برای فوتبال ایران نوشته خواهد شد؛ فصلی پر از هیجان، اشک، لبخند، تاکتیک و البته، شکوه بی‌نظیر اراده زنان. قلعه‌های قدیمی فوتبال ایران در حال لرزیدن هستند و این بار، فاتحان این قلعه‌ها، دخترانی با قلب‌های بزرگ و رویاهای بی‌انتها خواهند بود. آماده باشید؛ زیباترین نمایش سال در راه است.

تصور کنید روزی را که برای نخستین بار در تاریخ لیگ برتر، دختران سرخ و آبی‌پوش در میانه میدان صف‌آرایی کنند. این بازی، فراتر از جنگ رنگ‌ها و کل کل‌های مرسوم هواداری است. این یک دوئل تمام‌عیار، تاکتیکی و شخصیتی بین دو تن از بزرگ‌ترین و کاریزماتیک‌ترین زنان تاریخ ورزش ایران است

جهان نما

به درخواست ترامپ:
سوریه واردات نفت از روسیه را کاهش می‌دهد

سه منبع آگاه که در جریان مذاکرات آمریکا و سوریه قرار دارند، گفتند که دمشق در چارچوب گفت‌وگوهای جاری خود با ایالات متحده درباره لغو آخرین تحریم‌های مهم علیه سوریه، با کاهش چشمگیر واردات نفت روسیه موافقت کرده است. خبرگزاری رویترز با انتشار این مطلب گزارش داد: این اقدام نشان‌دهنده تغییر بزرگی در سیاست انرژی سوریه خواهد بود که با وجود چرخش سیاسی به سمت غرب، به شدت به نفت روسیه وابسته شده است و این پرسش را مطرح می‌کند که سوریه چگونه خلا ایجادشده را پر خواهد کرد. به گفته کارشناسان، این موضوع همچنین روش جدیدی برای آمریکا جهت اعمال فشار بر نفوذ اقتصادی روسیه در این کشور خواهد بود. بر اساس گفته یک منبع سوری که مستقیما در جریان گفت‌وگوها قرار دارد و یک مقام آمریکایی و یک منبع آگاه دیگر، مقامات ارشد سوری در ماه‌های اخیر در گفت‌وگوها درباره حذف سوریه از فهرست کشورهای حامی تروریسم واشنگتن به آمریکا گفته‌اند که مایل به کاهش واردات نفت روسیه هستند. هر سه منبع که خواستند نامشان فاش نشود، گفتند که آمریکا به صراحت این کاهش را به عنوان پیش‌شرطی برای لغو این عنوان مطرح نکرده است.

زلنسکی سفیر اوکراین در آمریکا را برکنار کرد

ولودیمیر زلنسکی رئیس جمهور اوکراین در ادامه سلسله تغییرات دولتی سفیر این کشور در آمریکا را برکنار کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، برکناری «اولگا استفانیشینا» دوشنبه در یک حکم ریاست جمهوری و در شرایطی اعلام شد که کی‌یف در حال لابی با واشنگتن برای تولید مشترک موشک‌های سامانه دفاع هوایی پاتریوت است. این در حالی است که استفانیشینا در شبکه‌های اجتماعی متن نامه‌ای را منتشر کرد که وی در آن درخواست کرده بود بنا به «دلایل شخصی» با استعفایش موافقت شود. او فعالیت به عنوان سفیر اوکراین در واشنگتن را «بزرگترین افتخار» زندگی‌اش خواند و افزود: ما دقیقا زمانی که فضای سیاسی در واشنگتن علیه ما در حال تغییر بود، عرضه سلاح‌های آمریکایی را افزایش دادیم و حمایت را حفظ کردیم. استفانیشینا پیشتر معاون نخست وزیر و وزیر دادگستری اوکراین بود و در ژوئیه سال گذشته به عنوان سفیر این کشور در واشنگتن منصوب شد. این نقش برای اوکراین بسیار مهم است زیرا به تحویل سلاح و تبادل اطلاعات با آمریکا در درگیری علیه روسیه وابسته است. روابط بین زلنسکی و همتای آمریکایی‌اش دونالد ترامپ با فراز و نشیب همواره بوده و گاهی پر تنش بوده است. به گفته رسانه‌های اوکراینی، استفانیشینا توسط آژانس مبارزه با فساد این کشور به ظن تخلف تحت تحقیق قرار دارد.

همزمان با بحث خروج نیروهای آمریکا، دفتر پیمان آتلانتیک شمالی در عراق افتتاح شد؛
ناتو؛ امتداد نفوذ امنیتی واشنگتن در بغداد

رامین پرتو

عراق از زمان سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ تاکنون یکی از مهم‌ترین حلقه‌های راهبرد امنیتی، سیاسی و انرژی ایالات متحده در خاورمیانه بوده است. موقعیت جغرافیایی عراق، منابع عظیم انرژی، همجواری با چند منطقه بحران‌خیز و نقش این کشور در معادلات امنیتی خاورمیانه باعث شده واشنگتن همواره این کشور را یک نقطه راهبردی و غیرقابل چشم‌پوشی در سیاست منطقه‌ای خود بداند. از همین رو، هر گونه تغییر در سطح حضور نظامی و امنیتی غرب در عراق، فراتر از یک اقدام اداری یا نظامی محدود، حامل پیام‌های سیاسی گسترده است.

در سال‌های گذشته، حضور نیروهای آمریکایی در عراق همواره با مخالفت بخش‌هایی از جریان‌های سیاسی و گروه‌های مقاومت این کشور همراه بوده است. بسیاری از احزاب عراقی پس از تحولات امنیتی سال‌های اخیر خواستار پایان حضور نظامی آمریکا و دیگر نیروهای خارجی در خاک عراق شده‌اند. این مطالبه در دولت‌های مختلف عراق مطرح بوده و حتی بخشی از روند کاهش نیروهای خارجی نیز عملی شده است، اما چارچوب اصلی روابط بغداد و واشنگتن همچنان اجازه نداده این پرونده به طور کامل بسته شود.

در چنین شرایطی، توافق اخیر دولت عراق و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی برای افتتاح دفتر رسمی ناتو در بغداد، پرسش‌های مهمی درباره آینده حضور غرب در عراق ایجاد کرده است. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که بخشی از فضای سیاسی عراق خواهان خروج کامل نیروهای خارجی است و همزمان ایالات متحده نیز تلاش دارد نقش امنیتی خود را در قالب‌های جدید حفظ کند.

بر اساس توافق انجام‌شده میان قاسم العبودی، مشاور امنیت ملی عراق، و سپهبد رامون آرماداء، فرمانده مأموریت ناتو در عراق، دفتر جدید ناتو در بغداد مسئولیت‌هایی همچون هماهنگی اداری، تبادل اطلاعات، اجرای برنامه‌های آموزشی و پیگیری همکاری‌های امنیتی را بر عهده خواهد داشت. مقامات عراقی و فرماندهان ناتو تأکید کرده‌اند که این دفتر ماهیت رزمی ندارد و قرار نیست نیروی جنگنده‌ای در عراق مستقر شود.

با این حال، ایجاد یک مرکز رسمی برای فعالیت ناتو در پایتخت عراق را نمی‌توان صرفاً یک اقدام فنی دانست. حضور ساختاری یک سازمان نظامی بین‌المللی در بغداد، آن هم در شرایطی که بحث خروج آمریکا مطرح است، نشان می‌دهد که غرب به دنبال حفظ یک چارچوب امنیتی بلندمدت در عراق است.

ناتو؛ جایگزین آمریکا یا ابزار استمرار نفوذ واشنگتن؟

تصمیم برای فعال‌تر شدن نقش ناتو در عراق پس از دوره‌ای از کاهش حضور میدانی این سازمان اتخاذ شد. در ماه مارس ۲۰۲۶، به دلیل افزایش تنش‌ها در منطقه و نگرانی‌های امنیتی، نیروهای مأموریت ناتو از کمپ ویکتوریا در نزدیکی فرودگاه بغداد خارج و فعالیت‌های آنها به صورت موقت به مقر فرماندهی مشترک ناپل در ایتالیا منتقل شد اما پس از ارزیابی شرایط امنیتی و دریافت تضمین‌هایی از دولت عراق، زمینه بازگشت فعالیت‌های مستقیم این سازمان فراهم شد.

تحلیلگران معتقدند که بازگشت ناتو به بغداد در این مقطع زمانی، بخشی از یک روند گسترده‌تر برای بازتنظیم حضور غرب در عراق است. ایالات متحده به دلیل فشارهای سیاسی داخلی عراق و اعتراض گروه‌های مختلف، تمایل ندارد حضور خود را تنها در قالب نیروهای آمریکایی تعریف کند. در مقابل، ساختار ناتو این امکان را فراهم می‌کند که همکاری‌های امنیتی غرب با بغداد در قالبی چندجانبه ادامه پیدا کند.

اگرچه آمریکا مهم‌ترین عضو ناتو و تأثیرگذارترین قدرت در ساختار تصمیم‌گیری این سازمان است، اما حضور ناتو از نظر سیاسی برای واشنگتن هزینه کمتری نسبت به حضور مستقیم نیروهای آمریکایی دارد. به همین دلیل، برخی جریان‌های سیاسی عراق ممکن است این اقدام را نوعی تغییر عنوان و شکل حضور آمریکا تلقی کنند، نه خروج واقعی آن.

از نگاه واشنگتن، عراق همچنان برای جلوگیری از بازگشت گروه‌های تروریستی، کنترل تهدیدهای امنیتی و حفظ توازن منطقه‌ای اهمیت دارد. در همین چارچوب، آموزش نیروهای عراقی، توسعه توانمندی‌های امنیت سایبری، تقویت کنترل مرزی و استفاده از فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی، ابزارهایی برای حفظ ارتباط راهبردی با بغداد محسوب می‌شوند.

ارتباط دفتر ناتو با پرونده حشدالشعبی

افتتاح دفتر ناتو در بغداد در شرایطی انجام می‌شود که یکی از اصلی‌ترین پرونده‌های امنیتی عراق، موضوع آینده حشدالشعبی و جایگاه گروه‌های مسلح خارج از ساختار سنتی نیروهای دولتی است. دولت عراق اعلام کرده که به دنبال تثبیت اصل انحصار سلاح در دست دولت است و ایالات متحده نیز طی ماه‌های اخیر فشارهایی برای محدود کردن توان نظامی گروه‌های مسلح همسو با جریان مقاومت وارد کرده است.

در همین رابطه، ابوحسین الحمیداوی، دبیر کل گردان‌های حزب‌الله عراق، تأکید کرده که این گروه به سلاح مقاومت پایبند خواهد بود و برای تقویت توان نظامی خود تلاش می‌کند. این موضع نشان‌دهنده عمق اختلاف میان بخشی از جریان‌های مسلح عراق و سیاست مورد حمایت آمریکا و دولت بغداد درباره آینده ساختار امنیتی کشور است.

در چنین فضایی، افزایش نقش ناتو می‌تواند از سوی برخی گروه‌های عراقی به عنوان بخشی از پروژه بازسازی ساختار امنیتی عراق با هدف کاهش نفوذ گروه‌های مسلح مستقل از دولت تفسیر شود. هرچند ناتو اعلام کرده مأموریتش صرفاً آموزشی و مشورتی است، اما آموزش، سازماندهی، انتقال فناوری و ارائه مشاوره‌های راهبردی، در نهایت بر ساختار قدرت امنیتی عراق اثر خواهد گذاشت.

همزمانی فشارها برای محدود کردن حشدالشعبی و گسترش نقش ناتو در بغداد باعث شده برخی جریان‌ها این دو موضوع را به یکدیگر مرتبط بدانند. آنها معتقدند غرب تلاش دارد با تقویت ساختارهای امنیتی رسمی، نقش بازیگران مسلح غیردولتی را کاهش دهد. در مقابل، دولت عراق تأکید دارد که هدف اصلی، تقویت نهادهای رسمی و جلوگیری از تکرار تهدیدهایی مانند داعش است.

همکاری امنیتی یا بازگشت پنهان آمریکا؟

پرسش اصلی اکنون این است که آیا دفتر ناتو در بغداد واقعاً نشانه یک همکاری آموزشی محدود است یا اینکه پوششی جدید برای تداوم حضور آمریکا در عراق محسوب می‌شود؟ پاسخ به این پرسش تا حد زیادی به نحوه عملکرد این دفتر، میزان اختیارات آن و واکنش جریان‌های سیاسی عراق بستگی دارد.

جریان‌های نزدیک به آمریکا احتمالاً از این اقدام به عنوان گامی برای تقویت توان دفاعی عراق و جلوگیری از بازگشت تهدیدهای تروریستی استقبال خواهند کرد. آنها استدلال می‌کنند که ارتش عراق برای مقابله با چالش‌های پیچیده امنیتی به آموزش و فناوری‌های پیشرفته نیاز دارد و همکاری با ناتو می‌تواند این نیاز را تأمین کند.

در مقابل، گروه‌هایی که خواهان خروج کامل نیروهای خارجی هستند، احتمالاً حضور ناتو را ادامه نفوذ غرب در عراق ارزیابی خواهند کرد. از نگاه این جریان‌ها، تفاوت میان حضور آمریکا با عنوان مستقیم و حضور از مسیر ناتو، تفاوتی در ماهیت راهبردی ندارد، زیرا واشنگتن همچنان نقش اصلی را در تصمیم‌های امنیتی غرب ایفا می‌کند.

در نهایت، موفقیت دفتر ناتو در بغداد به توانایی دولت عراق برای مدیریت اختلافات داخلی، حفظ حاکمیت ملی و ایجاد توازن میان شرکای خارجی وابسته است. اگر این دفتر صرفاً در چارچوب آموزش و تقویت نهادهای رسمی فعالیت کند، می‌تواند به ابزاری برای ارتقای امنیت عراق تبدیل شود؛ اما اگر به عنوان جایگزینی برای حضور مستقیم آمریکا عمل کند، احتمالاً با مقاومت جدی بخش‌هایی از جامعه سیاسی و امنیتی عراق روبه‌رو خواهد شد.